

# ترجمه شاهنامه فردوسی

## بزبان پنجابی

دکتر ستیانند جاوا

زبان فارسی تقریباً يك هزار سال پیش وارد هند شده فرهنگ و ادبیات و علوم و فنون ایرانی را نیز به خود آورد.

از آن به بعد آنچنان روابط ادبی و فرهنگی بین هند و ایران استوار شد که در تاریخ جهان همتائی ندارد. از دوره سلطنت غزنوی تا تقریباً صد و پنجاه سال پیش فارسی زبان درباری و اداری هند ماند. در نتیجه ادبا و فضلا و شعرا و وقایع نگاران و انشا پردازان و لغت نویسان و مترجمان بی شمار فارسی در هند بوجود آمدند. آثار بزرگ فارسی سروده و نوشته بزرگانی مانند فردوسی و سعدی و حافظ و عمر خیام و جامی و نظامی و جلال الدین رومی و امیر خسرو و عرفی شیرازی و ابوالفضل و فیضی و صائب و کلیم و بیدل و غالب و اقبال و غیرهم رابطه روحانی و ادبی را با هند برقرار نگه داشته و دارد. فارسی تاثیر بزرگی حتی در زبانها و ادبیات مختلف هند

دارد. در این زمینه ترجمه آثار فارسی بزبانهای هندوی نقش مهمی ایفا کرده است. بیشتر آثار کلاسیک فارسی بزبان پنجابی هم ترجمه شده. ترجمه گلستان و بوستان و سیاحت نامه ابراهیم بیگ و کتابهای منظوم و یا منثور که قسمتی از کتابهای درسی مدارس و سایر موسسات تدریسی را تشکیل می نمود به زبان پنجابی برگردانده شد. در اینجا ترجمه شاهنامه بزبان پنجابی معرفی میشود.

سنت ترجمه بعضی داستانهای مرغوب و محبوب شاهنامه مثل داستان بهرام و رستم و سهراب و بیژن و منیژه و داستانهای دیگر بزبان پنجابی از دیرباز در پنجاب رواج داشت. این داستانهای ترجمه شده که بیشتر منظوم بود از طرف شعرا بزبان عامه ترجمه می شد و بصورت جزوهای کوچک و ارزان قیمت انتشار می یافت و توسط فروشندگان دوره گرد در کوچه و بازار و خیابانها بفروش می رسید. قیمت هر جزوه در حدود نصف یا يك ریال بود جالب اینکه این نوع جزوه فروشان ابیات جزوه ها را بسبک و آهنگ مخصوصی بلند می خواندند و عجب اینکه تا غروب آفتاب تقریباً تمام جزوه ها بفروش می رفت. باین وسیله زنده دلان با ذوق پنجاب با آثار فارسی آشنا می شدند و بعضی از آنها داستانهای منظوم را حفظ می نمودند. این جزوه ها را بزبان عمومی "قصه" می گفتند یکی از این قصه سرایان "میان (میان یعنی آقا، جناب) امام بخش" از اهالی دهکده پاسیان والا در بخش سیالکوت بود. او در سال

۱۷۷۸ میلادی متولد شد و در سال ۱۸۶۲ درگذشت. او حافظ قرآن بود و به کودکان قرآن خوانی یاد می داد. گذشته از ترجمه «لیلی مجنون» و آثار دیگر مثل گل صنوبر و بدیع الجمال و گلبدن داستان شاه بهرام را از شاهنامه گرفته بزبان سلیس پنجابی نوشت. قصه «شاه بهرام بزبان پنجابی مورد پسند همه مردم بود و بیشتر در شب نشینی های روستائی پنجاب خوانده می شد.

همچنین مولوی احمد یار که در سال ۱۷۶۸ میلادی در مرالا واقع در بخش گجرات تولد یافت مثنوی های لیلی مجنون و یوسف زلیخا را با الهام از شاهنامه فردوسی بزبان پنجابی نوشت. وی در سال ۱۸۴۰ میلادی بنا بدرخواست راجا گلاب سینگ به لاهور رفته شاهنامه «سیک ها را بعنوان فتوحات خالصه بنظم پنجابی در آورد اما قبل از آنکه بدربار راجا رفته اثر خود را تقدیم نماید در سال ۱۸۴۵ میلادی درگذشت.

ترجمه «پنجابی شاهنامه» فردوسی به نثر است. دو دانشور با اشتراك شاهنامه را ترجمه نموده اند. ترجمه تحت اللفظی است. یکی از آنها آقای رنجیت سینگ گیل و دوم آقای جنک سینگ است. آقای رنجیت سینگ گیل رئیس اسبق اداره «زبان حکومت استان پنجاب است. او از دهه پنجم این قرن تا سالهای ۶۱ - ۱۹۶۰ رئیس اداره «زبان بود. مرکز این اداره در شهر پتیاله بوده و می باشد.

آقای جنک سینگ بمدت چند سال دانشیار فارسی در

دانشکدهٔ مهندرا در شهر پتیاله بود و پس از آنکه بعلت کمبود دانشجوی فارسی، بخش فارسی در دانشکدهٔ مذکور تعطیل شد، آقای جنک سینگ دانشیار زبان پنجابی شد. چند سال پیش آقای رنجیت سینگ گیل درگذشت.

این ترجمهٔ پنجابی در چهار جلد توسط ادارهٔ زبان حکومت استان پنجاب واقع در پتیاله بصورت مطلوبی از نظر چاپ و کاغذ و جلد انتشار یافته است.

جلد اوّل در سال ۱۹۸۰ میلادی با یک هزار و یک صد و هفتاد و دو صفحه انتشار یافت.

جلد دوم هم در سال ۱۹۸۰م در هشت صد و چهل و هشت صفحه منتشر شد.

جلد سوم در سال ۱۹۸۰م با یک هزار و شصت و سه صفحه و جلد چهارم در سال ۱۹۸۱م در یک هزار و نه صد و هشتاد و یک صفحه منتشر شدند.

بهای جلد اول سی و دو روپیه و شصت پیسه، و قیمت جلد دوم بیست و چهار روپیه و پنجاه و پنج پیسه، و قیمت جلد سوم بیست و نه روپیه و نود پیسه، و قیمت جلد چهارم سی و شش روپیه و هفتاد و پنج پیسه می باشد.

این اطلاعات راجع به چاپ و صفحات ترجمهٔ شاهنامه در فهرست کتاب های ادارهٔ زبان حکومت استان پنجاب پتیاله در شماره های ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴ و ۱۳۵ قید است و در صفحه های ۱۴ و ۱۵ تحت عنوان ادبیات جهانی قرار دارد. مترجمان پنجابی شاهنامه از شخصیت های برجسته

ادبیات فارسی و پنجابی نیستند. زبان ترجمه ساده و سلیس است اما زحمات فراوانی که در کار ترجمه باین بزرگی متحمل شده و اهمیاتی که برای انجام این کار ورزیده و پنجابی زبانان را با اثر بزرگ فردوسی آشنا ساخته اند مستحق تقدیر است و نمایانگر علاقه زیادشان به شاهنامه می باشد.

### رباعیات

اسرار ازل را نه تو دانی و نه من  
وین حرف معما نه تو خوانی و نه من  
هست از پس پرده گفتگوی من و تو  
چون پرده برافتد نه تو مانی و نه من

مقصود ز جمله آفرینش ماییم  
در چشم خرد جوهر بینش ماییم  
این دایره جهان چو انگشتری ست  
بی هیچ شکی نقش نگینش ماییم

آنرا که وقوفست بر اسرار جهان  
شادی و غم جهان پرو شد یکسان  
چون نیک و بد جهان همه خواهد شد  
خواهی همه درد باش و خواهی درمان

(عمر خیام)